

# دریچه صلیبی

www.ketab.ir

فدریکو توتزی | اثمار موسوی نیا



۱۱۸۵۶۸۱۱

کتابخانه  
Ketab.ir

||| سرشناسه | توتزی، فدریکو | ۱۸۸۳-۱۹۲۰ م. | Tozzi, Federico |||  
||| عنوان و نام پدیدار | فدریکو توتزی | ترجمه اثمار موسوی نیا |||  
||| مشخصات نشر | تهران | افراز | ۱۳۹۵ |||  
||| مشخصات ظاهری | ۱۶۸ |||  
||| شابک | ۹۷۸-۹۰۴-۲۴۳۰۸۲۵-۹ |||  
||| وضعیت فهرست‌نویسی | فیبا |||  
||| یادداشت | عنوان اصلی | Romanzo | Tre croci | 1971 |||  
||| موضوع | داستان‌های اجتماعی | قرن ۲۰ م. |||  
||| شناسه‌ی افزوده | سریال | شمار | ۱۳۵۶ - | مترجم |||  
||| رده‌بندی کنگره | ۳۹ | ۵ | PQ۴۶۹۲ |||  
||| رده‌بندی دیویی | ۸۵۳/۹۱۲ |||  
||| شماره‌ی کتاب‌شناسی | ۲۶۱ | ۱۲۷۱ |||

فدریگو توتزی | مترجم | اثمار موسوی نیا | سه صلیب |  
 نویت چاپ | اول | ۱۳۹۵ | طراحی جلد و آرایش صفحات |  
 میثم علیپور | آتلیه افراز | باب | صحافی | چاپ نازو |  
 شمارگان | ۵۰۰ نسخه | قیمت | ۱۳۸۰۰ تومان |

انتشارات افراز | دفتر مرکزی و فروش | خیابان ششگانه | پایین تر از جمهوری |  
 کوچه دانا | پلاک ۱۲ | تلفن: ۶۶۹۷۷۱۶۶ | مرکز پخش | ۶۶۰۱۵۸۵ |  
 فروشگاه | خیابان ششگانه | مجتمع تجاری دانشگاه |  
 طبقه‌ی منفی یک | کتاب‌های تخصصی هنر و ادبیات افراز | تلفن: ۶۶۰۹۵۲۸۵۳ |  
 وبسایت | فروشگاه اینترنتی |  
 www.afrazbook.com | E-mail: info@afrazbook.com

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.  
 هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد  
 به هیچ شکلی، از جمله، چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.  
 این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

## فهرست

یادداشت‌های پنجم ۹۱  
سه صلیب از ۹۲  
ملال و دلزدگی: بارشایو ۹۳  
آثار فلریکو توتزی ۱۴۹۱

## یادداشت مترجم

این کتاب را با حسی از حضور مرگ می‌نویسم  
فدریکو توتزی

سه صلیب خطی‌ترین و آخرین رمان توتزی است که با کمترین  
مشخصه‌ی اتوبیوگرافیک نگاشته شده است. ایده‌ی رمان از ماجرای  
واقعی، که بین سال‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۱۸ در سیه‌نا زادگاه نویسنده روی داد،  
به وی الهام شد. سرگذشت سه برادر که میراث یک کتاب‌فروشی  
مدرن و کهن و یک مغازه‌ی صحافی را در مرکز سیه‌نا به عهده دارند.  
سه برادر بدهی دارند و امضا جعل می‌کنند تا از رسیدن آن و منزلت  
اجتماعی خویش را حفظ کنند. جولینو شخصیت اداسی، رمان‌دارای  
حال و هوایی مالیخولیایی است؛ او از دو برادر دیگر باهوش‌تر است  
و تنها کسی است که به کتاب و مطالعه علاقه‌مند است. در این جا  
با نمونه‌ای از شخصیت غالب رمان مدرن، به عبارتی یک شخصیت  
سترون<sup>۱</sup> روبه‌رو هستیم. جولینو هم مثل همه‌ی شخصیت‌های سترون

پیش از موعد پیر شده است: «فقط چهل سال دارم و انگار هشتاد یا صد ساله‌ام.» جولیو یادآور جوان داستان گرداب مالستروم اثر ادگار آلن پو است، که با نزدیک شدن به مغاک پیر شده است. گلانوکو توتزی<sup>۱</sup>، پسر نویسنده اظهار می‌کند که یک روز صبح، توتزی که کاملاً برآشفته بود، سر میز صبحانه برای همسر و پسرش که آن موقع دوازده سال داشت تعریف می‌کند که جولیو، قهرمان رمان سه صلیب را در خواب دیده، که از دست توتزی بی‌اندازه خشمگین بود زیرا ماجرای هم‌انگیز او - ادره‌ایش را برای همه تعریف کرده است. توتزی تأکید می‌کند که آن رؤیای یک خواب نبود بلکه مثل یک تجلی واقعی بر او پدیدار شد. گلانوکو می‌نویسد: «او بسیار وحشت‌زده بود، انگار خدا می‌دانست از چه راهی به مترقبه‌ای ترسیده بود.»

جهان بسیاری از آثار سرزی به‌ساخته از خشونت، یأس، بدبینی و آسیب‌روانی (تروما) است که، به گفته‌ی مارکو تسلی<sup>۲</sup> در این جهان پیام مسیحایی بازنمودی از یک بعد است، و نه یک در خلال<sup>۳</sup>. به‌نظر می‌رسد که سرزمین قصه و حکایت توتزی زمین بهره‌و تار است که پیام امید هنوز به آن جا راه نیافته است، و شب تاریک خنای نصیب و نومیدی انجیلی ایوب بر آن حاکم است.

به‌زعم ا. جوآنولاه<sup>۴</sup> قرانت آثار توتزی تأثیر یک کابوس را در خواننده به‌جا می‌گذارد: «سیه‌نا قهرمان بسیاری از آثار نویسنده در عذابیت یک زندان و رؤیایی سهمناک برخوردار است و به‌مانند مکانی واقع در

1. Glauco Tozzi

2. Marco Tesli

3. dopo

4. durante

5. E. Gioanola

سرازیری است که هر لحظه امکان فرورفتن در ورطه و مفاک وجود دارد: شخصیت‌ها به مثابه‌ی تهدید و خطری ظاهر می‌شوند که باید از آن دوری جست، و در عین حال در جهان غیر قابل نفوذ و تهدیدآمیزشان محبوس هستند: خود بی‌بلاق... آکنده از حضور چیزهایی ناشناخته و تهدیدآمیز، خشونت و هول و هراس است.<sup>۱</sup> مسلم است که در رمان‌ها لحظاتی می‌که در آن‌ها وصف و شرح محیط‌های بیرونی و به همان اندازه زیاده‌ار کابوس‌ها، و گه‌گاه شخصیت‌ها، استعارات و نمادهایی رویاگونه را در خود پنهان دارند بی‌شمارند و به سهولت قابل رمزگشایی نیستند و پاره‌ای در گاه‌گشایی کافکایی را به ذهن متبادر می‌کنند.

و اما پرواضح است که رمان سه صلیب نیز همچون دیگر آثار نویسنده طغیان‌ی علیه قدرت پدر و جهان پدرسالاری است. کارلو سرافینی<sup>۲</sup> در مقاله‌ای درباره‌ی بایا بندی در رمان‌های توتزی<sup>۳</sup>، می‌نویسد که کتاب‌فروشی به ارث رسیده به پدر در رمان سه صلیب نمادی از قدرت پدر است، و توتزی این ناساد را نابود می‌کند. فرایند منظم نابودی میراث پدری در رمان سه صلیب و نیز رمان ملک، داستان طغیان علیه قدرت سرکوبگر پدر است. به نظر می‌رسد که برخلاف رمان با چشمان بسته که گویی ناتمام و مسکونی می‌ماند و پایان داستان فرامی‌رسد، سه صلیب، به تمامی یک پایان است. رمان خود پایان داستان است: در طول رمان هر لحظه امکان واژگونی همه چیز وجود دارد، در این‌جا داستان به وضعیتی از «روایت‌پردازی» می‌رسد: رمان به منزله‌ی روایت پایان.

روایت‌پردازی توتزی نه تنها داستان طغیان علیه پدر و اقتدار

1. E. Gioanola, Storia letteraria del Novecento in Italia, Torino 1980

2. Carlo Serafini

3. Carlo Serafini, Il quinto comandamento. Sul finale nei romanzi di Federigo Tozzi, Dipartimento di Italianistica e Spettacolo, Semestrale di Studi (e Testi) italiani n. 18

پدرسالاری است، بلکه از لحاظ ساختاری طغیان علیه زبان نیز به شمار می‌آید. زبان توتزی که دیگر نه از مرکز و نه رأسی برخوردار است، آن قانونی را که او را به زیستن و اندیشیدن درون ساختار سلسله مراتب جامعه‌ی سنتی وامی داشت نقض کرده است. توتزی به آن دوره‌ی تاریخی تعلق دارد که در طی آن پدران از بدو تولد یا طفولیت فرزندان را به گونه‌ی عصیان احتمالی آن‌ها را درهم می‌شکنند. توتزی به موقع غم‌ن می‌کند؛ از طریق روایت مبارزه‌ی پسری که درمی‌یابد اگر بی‌خواهد به سنده‌ای شود که به ارتباط با عصری که فرزندان بی‌قرار و ناآرام در برابر رسومات کهنه تولید می‌کند قادر باشد، لاجرم باید پدر ورست (و نم‌گر) را به برون براند. این روایت بر آن است تا داستان یک رهایی باشد، لری که توتزی از درون یک زندان سخن می‌گوید. عجز و سترونی‌اش مانع از این برشد که به راحتی در جهان درجنب و جوش باشد، او به طرزی علاج‌پذیر از عامل از تشکیل خانواده، و به نوبه‌ی خود از پدر بودن عاجز و ناسوان است. شخصیت‌های او هیچ آینده‌ای ندارند و به هر تقدیر داستان توتزی به تمامی در آینده خلاصه می‌شود، روایت‌پردازی که پیش از دریافتن این امر که، رگ‌زشت اساسی و بنیادین انسان قرن بیستم را حکایت کرده است چشم از جهان فرو بست. با رمان سه صلیب نه تنها پدر می‌میرد، بلکه خود توتزی نیز از دنیا می‌رود، چند روز مختصر پس از دریافت نسخه‌ای از رمانش، که به راه او در تابوت قرار داده می‌شود.

لازم به ذکر است که توتزی در این رمان به رغم شاعرانگی و فشرده‌گی نشر به خصوص در فصل‌های پایانی، تا حد زیادی از گویش توسکان بهره برده است، و همین امر ترجمه‌ی این اثر را تا حد زیادی دشوار

کرد. در این جا لازم می دانم از دو دوست عزیز و فرهیخته سپاسگزاری کنم: علیرضا سیف الدینی که زحمت بازخوانی کتاب را به عهده گرفت و مرا از راهنمایی های ارزنده ی خود بهره مند ساخت و ماسیمو سانلی<sup>۱</sup> که صبورانه مرا در ترجمه ی این اثر یاری رساند.